



روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی صاحب امتیاز شهرداری مشهد

سال هفدهم ۱۳۹۴ دیهشت ۱۴۰۵ شماره ۴۴۶۰ شماره ۴۴۶۰ سردبیر سید سعید طوع هاشمی

نشانی: خیابان کوهسنگی ابتدای کوهسنگی ۱۵ دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵ نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴ روابط عمومی: ۰۵۱-۳۸۴۸۳۷۵۲ شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹

SHAHRARANEWS.IR
Mashhadchehreh.ir
Photoshahr.ir

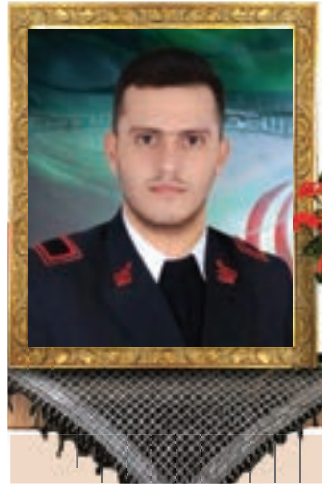
اوقات شرعی مشهد

اذان ظهر ۱۱:۲۷:۵۳ ● غروب آفتاب ۱۸:۲۹:۵۸ ● اذان مغرب ۱۸:۵۰:۰۹
نیمه شب شرعی ۲۲:۳۸:۲۰ ● اذان صبح فردا ۰۲:۴۶:۴۳ ● طلوع آفتاب فردا ۰۴:۲۵:۴۹



شهیدنا و دنا

ابوالفضل حسینی خزان

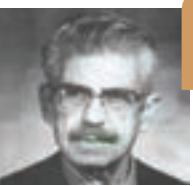


تاریخ تولد: ۱۳۷۹/۵/۳
تاریخ شهادت: ۱۴۰۴/۱۲/۱۳
محل تولد: مشهد
محل شهادت: مشهد

آب های اقیانوس هند

در پی تجاوز رژیم صهیونی و آمریکای جنایتکار

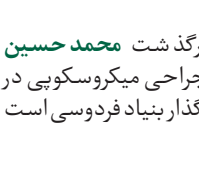
تقویم تاریخ



امروز سالروز درگذشت دکتر **ابراهیم شکورزاده بلوری**، پژوهشگر فرهنگ عامه خراسان و استاد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد است که در سال ۱۳۸۱ از دنیا رفت.



۱۲۴ ردیبهشت ۱۳۹۲ آیت ... **سید عزالدین حسینی زنجانی**، مشهور به امام زنجانی، مرجع تقلید و مفسر قرآن از دنیا رفت و در جوار بازگناه ثامن الائمه، امام رضا(ع) به خاک سپرده شد.



۱۲۵ ردیبهشت سالروز درگذشت **محمد حسین توسی وند**، پزشک مبتکر جراحی میکروسکوپی در ایران، شاهنامه پژوه و بنیانگذار بنیاد فردوسی است که سال ۱۳۹۳ از دنیا رفت.

بی درنگیهای روزهای جنگ

امیدوار پدری

این روزها علاوه بر اخبار جنگ و صلح و افزایش سرسام آور قیمت ها (که البته بخشی از این افزایش از تبعات همین جنگی است که بر ما تحمیل شده)، آنچه ذهن بسیاری از ایرانیان را به خود درگیر کرده، اخبار صدور و اجرای حکم اعدام متهمان وقایع ماه های اخیر است. اخباری که مردم را نگران و زبان دشمن را دراز کرده است.



امید مهدی بنیاد شاعر و نویسنده

ای کاش قوه محترم قضا در این زمینه با ما بیشتر سخن بگوید. صد البته اگر محکومان به اعدام از کسانی باشند که دست به جاسوسی، گرا دادن به دشمن و همکاری با دشمن متخاصم در شرایط جنگی زده اند، صدور حکم اشد مجازات برای آن ها مطالبه قاطبه مردم است. همچنین اگر از کسانی باشند که دستشان به خون هم وطنی آلوده است و البته توضیح جرائم ارتكابی متهمان و ادله ای که در صدور حکم مورد استناد قرار گرفته است، بسیاری از نگرانی ها را مرتفع خواهد کرد.

اما اگر محکومان از کسانی باشند که فریب جورسازانه ای را خورده اند و از سر عواطف و احساسات و در اثر فشار معیشتی یا بحران هویتی دست به خشونت یا تخریب زده اند بدون آنکه خونی ریخته باشند، آیا جای آن نیست که مشمول تخفیف در حکم یا تأخیر در اجرای حکم شوند؟ می دانیم که آسیب شناسی یک عمل مجرمانه چیزی است و مجازات مجرم چیزی دیگر و این دو نباید با هم خلط شوند. کسی که جان کسی را می گیرد محکوم به قصاص است، حتی اگر در یک نگاه آسیب شناسانه بخشی از حق هم به جانب او باشد. این درست است، اما در شرایطی که از سویی جنگ و از سویی فشارهای اقتصادی و از همه سو قطع ارتباطات اینترنتی، مردم را نگران و مستأصل و خشمگین ساخته، انتظار رویکردی رثوفانه تر و پدانه تر از قوه محترم قضا، انتظاری بیجا نیست. مردم در این ایام بیش از هر زمان دیگر چشم انتظار و نیازمند و امیدوار مهر و مدارا هستند. ناامیدشان نکنیم.

روایت اول

توس هزار سال خاطره دارد، اگر پایش بنشینیم

آرامگاه فردوسی برای بسیاری از مشهدی ها فقط در عکس های یادگاری و لا به لای صفحات آلبوم خلاصه نمی شود



نگار: سید سیمیا

برای بسیاری از مشهدی ها، آرامگاه فردوسی در خاطره ای دور از یک اردوی دانش آموزی خلاصه می شود. شاید هم یک تصویر از توت خوری در جاده قدیم که با بازدید از آرامگاه فردوسی درهم آمیخته و طعمی شیرین به خاطره داده است. اگر صفحات آلبوم های قدیمی را ورق بزنیم لایه لای عکس ها، تک و توتک تصاویر دسته جمعی درحالی که روی پله های آرامگاه نشسته ایم هم پیدا می شود. دوری راه و کمبود امکانات باعث شده مشهدی ها قرار بازدید ماهیانه یا سالانه از آرامگاه فردوسی را کمتر در برنامه هایشان بگنجانند و خاطرات آن ها از توس و آرامگاه فردوسی از تعداد انگشتان دست فراتر نرود.

اما برای من که خبرنگاری را با گشت و گذار در محدوده تازه به شهر پیوسته توس شروع کردم، آن حوالی دیگر به یکی دو خاطره محدود نمی شود. من هربار که به آرامگاه فردوسی می روم، قاسم ارفع را در حالی تصور می کنم که پشت فرقی ایستاده و سنگ بزرگ فرور هر برای نصب در ساختمان تازه بازسازی شده سال ۱۳۴۷ تا پیشانی آرامگاه فردوسی بالای می برد.

رجبعلی لیاف خانیکی را در حالی تصور می کنم که دارد آرامگاه تازه پیدا شده غزالی را حفاری می کند و برای جمعیت حاضر از نوع مقبره های سردابی مرسوم آن روزگار می گوید. مهدی سیدی را درحالی تصور می کنم که دارد دور دیوار هزارساله توس می چرخد و هر ستمش را به یک سر تاریخ وصل می کند. جایی را که سالم تر است شبیک خان از یک درست کرده. آن قسمت

که کلا نابود شده، کار مغول هاست.

محمد ادیب اسلامیه را درحالی تصور می کنم که سعی دارد جلوی کشاورزانی را بگیرد که از چند صدساله توس را خراب می کنند و خاکش را برای کشت بهتر زمین ها می برند. گاهی موفق می شود و گاه هم خیر.

محسن میهن دوست را درحالی تصور می کنم که دشت توس را در پی افسانه هایش زیرورو می کند تا برسد به مردارکشان و داستان افسانه ای عشق دختر پادشاه به پسر گاوچران که از قضا پایان

خوشی هم نداشت. اوستا ماشالا، آهنگر آرامگاه فردوسی را تصور می کنم درحالی که با ایده اش درباره استفاده از گل میخ برای محکم نگاه داشتن سنگ ها، مهندس هوشنگ سحیون را به وجد می آورد.

بی بی شاه حسینی را در حالی تصور می کنم که در میانه کارگاه قالی بافی ایستاده و به ۲۰۰ دختر پیسری که پای دارهای قالی نشسته اند با شعر فرمان می دهد «سر اول، تا به جا، بیابرو» پیش رپیش آمد، رو کور،

خراسانیات

توت، تجسم تاریخی همیاری

خراسان، حتی اگر خاستگاه این درخت نباشد، اما پرورشگاه آن هست



چیزی بهتر از توت، تجسم همیاری در تاریخ خراسان است؟

توت، انواع فراوانی هم دارد در همه گستره خراسان، توت سفید بی دانه، توت نقلی را به نام «توت مشهدی» می شناسند، که همان «توت بخارایی» است و «توت پشت گل» که رنگ مختصری دارد و شیرینی فراوان، آن قدر که بهترین توت، برای پخت شیره است. «شاتوت»، شاه توت هاست و دیرتر می رسد. «توت مجنون» هم همین توت هایی است که با شاخه های خمیده رو به پایین، در بولوارها و حاشیه پارک ها و پیاده روها فراوان است، «خرتوت» هم داریم که میوه اش با وجود درشتی، شیرینی چندانی ندارد و «توت سیاه» و «توت هراتی» و...

توت، اگرچه تجسم باور خراسانی ها به اصل اساسی همیاری است اما تنها نمونه آن نیست. در خراسان، درخت زالزالک و درخت سنجد هم، همین حال را دارند.

در کوچه های های بینالود از خلیج تا اخلمد، درخت های فراوان زالزالک را می توان یافت که پاییزها، برگ و بارش نصیب رهگذران می شود و در تپه ماهورهای پیش از هزارمسجد، درخت های فراوان سنجد را.

همیاری، می تواند امروزه روز هم، مصادیق فراوانی داشته باشد تا در بزنگاه هایی مانند شب و روزهای جنگ، یاری رسان جامعه باشد. این سنت کهن سال در خراسان زمین به ما به میراث رسیده و ما باید آن را بهتر و کامل تر برای فرزندانمان به یادگار بگذاریم.

همین درخت را می چرد، همه پوشیدنی های لطیف، که گرم ابریشم فقط از برگ توت است که تار می تند. انبوه درخت های توت، در شهرها و روستاهای خراسان، بر اساس همین باورها شکل گرفته است. در روستایی از پیرمردی فرتوت شنیدم که کاشت درخت توت را ذخیره آخرت می دانست تا فردا و فرداها، هر برگی

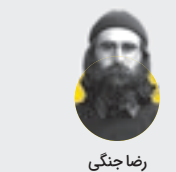
جنگ، به ما نکات فراوانی آموخت، یکی از آن نکات، اصل اساسی همیاری و اهمیت آن در جامعه بود. جنگ به ما یادآوری کرد که باید از همیاری ها ریسمانی بیافیم که ما را از غلظیدن به سراسیمگی سقوط، حفظ کند. به یادمان آورد که باید به فکر دیگری بود تا خودمان هم زندگی بهتری داشته باشیم.

این شیوه از نگرش به زندگی، در خراسان، نهادینه است. پدران و مادران ما، بر همین اساس زندگی کرده اند و بر همین اساس، داشته های فراوانی را برای ما به میراث گذاشته اند، رباط ها، کاروان سراها، آب انبارها، مساجد و مدارس، همه و همه با همین نگاه حاصل آمده اند. علاوه بر این ها، درختانی هم هستند که کاشته شدن دقیقاً، با همین نگاه انجام شده است، مهم ترینشان درخت توت.

خراسان، حتی اگر خاستگاه درخت توت نباشد، اما پرورشگاه آن هست. توت، درخت مقدس خراسانی هاست. باورهای فراوانی درباره میوه این درخت، برگ و بار آن و گنده اش، حتی وجود دارد. همه الحان، از درخت توت حاصل آمده است، چون که بلبل هزاردستان، از میوه همین درخت می خورد، همه ساز و آوازه از همین درخت است، چون ناله های زکریای نبی، در تن همین درخت تنیده شده است، همه بوهای خوش، چون آهو برگ و بار



روزنامه نگار حسن احمدی فرد



رضا جنگی

کارتون شهر

بدون شرح...

